

تأثیر جو و شرایط روز هم قرار نمی گرفت. در عین حال شاید گوشه چشمی هم به حکومت داشت، اما نه به ولایت فقیه به معنای مطلقه آن که امروز مطرح است، بلکه بدان معنا که فقیه هم می تواند تشکیل حکومت بدهد.

«**کتاب «حماسه حسینی» مرتضی مطهری چه جایگاهی در این میان داشت؟**

شهید مطهری در سال ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ در مسجد فرشته در خیابان فرشته سخنرانی می کرد. سال بعد از آن جوان ها گفتند، چون مطهری مخالفت هایی با شریعتی کرده و صحبت هایی هم داشته که خیلی انقلابی نبوده ما در مجلس او شرکت نکردیم. یکی از بحث جوان ها طباطبایی نیز بود، در بازار منبر می رود و امیرعباس هویدا هم در آن مجلس شرکت می کند. دکتر مناقبی تحت تأثیر حضور هویدا مقداری از او تعریف می کند. بعدتر علامه طباطبایی به تهران می آید و به منزل دکتر مناقبی می رود. شهید مطهری هم به دیدن علامه می رود. جوان ها به این دیدار اعتراض داشتند و به همین دلیل گفتند، دیگر منبر مطهری نمی روند. وقتی خدمت مرحوم مطهری در دانشکده الاهیات در سرچشمه رفتیم و این گزارش را به او دادم، او اول گفت که خود نیز احساس کرده که جوان های سال قبل، امسال نیامدند. بعد به دوستی خانم خود و دختر علامه اشاره کرد و گفت، من می دانم که دکتر مناقبی ارتباطاتی با دستگاه دارد اما بدانید که من برای دیدن علامه طباطبایی به جای بدتر از این هم می روم و تحت تأثیر این صحبت ها قرار نمی گیرم. در عین حال دقیقاً عین جمله ای که به من گفت این بود: «آقای جعفری به خدا قسم وقتی که من چیزی را تشخیص دادم که حق است بدون توجه به اینکه کسی خوشش بیاید یا نیاید، آن را می گویم.» لذا مطهری «حماسه حسینی» را هم در نقد دکتر شریعتی، هم در نقد مستقیم و غیر مستقیم صالحی نجف آبادی و بیشتر از همه در نقد تحریف های عاشورا نوشت. مطهری تحت تأثیر جو اجتماعی نبود و آنچه را که به نظرش درست می آمد، می نوشت. غالباً همه سخنانش مستند بود ولی گاه هم تحت تأثیر احساسات و مسائل دیگر قرار می گرفت.

«**نقطه نظر مطهری در مقایسه با آرای شریعتی و صالحی نجف آبادی چه بود؟**

مطهری در اینکه امام حسین آگاهانه شهادت را برگزید یا شریعتی موافق بود، نقدش بر آثار شریعتی به سخنرانی «حسین وارث آدم» بازمی گشت و می گفت، شریعتی حسین را به شکل شخصیتی سیاسی مطرح کرده و این درست نیست. خود شریعتی این نکته را به خود من گفت که بله من در سال ۱۳۴۹ که «حسین وارث آدم» را نوشتم از همه جا ناامید بودم. مبارزات شکست خورده بود و من امام حسین را به عنوان یک مجسمه در آوردم و لذا کار من در «حسین وارث آدم» ایستاست. این اصطلاح خود ایشان بود. اما در سال ۱۳۵۰ که حرکت مجاهدین خلق را دیدم امیدوار شدم و سخنرانی «پس از شهادت» را بیان کردم که درست نقطه مقابل آن است. در حقیقت شریعتی بخشی از انتقادات مطهری را می پذیرفت، ولی نه به آن اندازه که مطهری را عصبانی کرده بود و حتی باعث شده بود که نسبت های نادرستی هم به شریعتی بدهد. نقد مطهری به «شهید جاوید» هم این بود که امام حسین اگر زمینه ای برای تشکیل حکومت به دست می آورد، خودداری نمی ورزید و این را وظیفه خود می دانست اما از آنجایی که او می دانست و آگاه بود که چنین زمینه ای ایجاد نمی شود، فلذا شهادت را آگاهانه و نه تحمیلی پذیرفت.

«**مهمترین تحریف هایی که واقعه عاشورا به خصوص در زمانه ما دچار آن شده است، چیست؟**

و حفظ خونسردی که خودداری از سکوت و انزوای سیاسی را می رساند. از رویارویی با حرب ریاحی که نقش امامت را در هدایت بازگو می کند. از فرصت دادن به یارانش در شب عاشورا که آزادی در انتخاب راه را به پیروان می آموزد. از امان دادن دشمن در ابتدای امر و خودداری او از بیعت که نرفتن زیر بار ذلت را آموزش می دهد. با توجه به این موارد و موارد دیگر است که می توان قیام حسین را یک عمل انسانی، اساسی و طبیعی به حساب آورد تا همچنان که خود او گفته است: «عمل وی سرمشقی برای سایر انسان ها نیز باشد.» ثریا همین است که تمامی جنبش های اصلاح طلبی جهان اسلام و به ویژه تشیع، چه در مقام حرف و چه در عمل به حائذه عاشورا استناد کرده اند و می کنند. جان کلام اینکه عاشورا، آبروی تمامی آزادیخواهان روی زمین است. البته رستاخیز احساسات ناب انسانی هم هست. به طوری که در طول تاریخ، برق غیرتیش، چشم عقل و منطق رازده است و خلق چنان به تعزیتش نشستند که چندان فرصت معرفش را نداشته اند. این اما چیزی است که امروزه ما ساخت به آن محتاجیم تا با عنایت محققانه و مدبرانه به آن، شالوده های یک حکومت دموکراتیک دینی را بنیان نهیم؛ حکومتی که عقیده را در حلقه ی عقده نگه ندارد و به آزادی و آزاده گی نه تنها به عنوان یک نیاز که قبل از هر چیز به عنوان یک شیوه و روش اداره و مدیریت جامعه نظر کند. «حکومتی که پیام رسان و مرجع تنها همین یک کلام کشته کربلا باشد که «اگر دین ندارید، لااقل آزاده مرد باشید.»

یادداشت ها:

۱- شهیدی، جعفر/ پژوهشی تازه پیرامون قیام عاشورا/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۲- همان: ص ۳/۱۰- همان: ص ۳۲/ ۴- باقی: عه‌الدین/ جامعه شناسی مردم کوفه/ نشرنی/ ص ۴۸

۵- شریعتی، علی/ حسین وارث آدم/ نشر قلم/ ص ۱۶ /

۶- صالحی نجف آبادی، نعمت الله/ شهید جاوید/ نشر رسا/

مقدمه ۷- شروش، عبدالکریم/ اخلاق خدایان/ نشر نو/ ص ۵۲



مطهری در اینکه امام حسین آگاهانه شهادت را برگزید یا شریعتی موافق بود. نقدش بر آثار شریعتی به سخنرانی «حسین وارث آدم» بازمی گشت و می گفت، شریعتی حسین را به شکل شخصیتی سیاسی مطرح کرده و این درست نیست. خود شریعتی این نکته را به خود من گفت که بله من در سال ۱۳۴۹ که «حسین وارث آدم» را نوشتم از همه جا ناامید بودم

متأسفانه پیام عاشورا تحریف شده است. شاید همانطور که شهید مطهری هم می گوید این تحریف از «روضه الشهداء» شروع شده باشد. البته قبل تر هم بود ولی مثلاً کتاب ابومخنف که چاپ شد و در دسترس همگان هست، کاملاً تحریف شده است. آقای حجت الله جودکی در دوره کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران پایان نامه ای داشت درباره همین تحریفات و مقتل ها. او مقتل ابومخنف را از تاریخ طبری گرفت و بیش از ۱۱۰ روایت از تاریخ طبری استخراج کرد و نشان داد که این روایات با روایاتی که در این کتاب چاپ شده وجود دارد، بسیار متفاوت است و تقریباً آنچه تاریخ طبری از ابومخنف نقل کرده است، بسیار معقول و منطقی به نظر می آید، اما این کتاب فعلی نه، شیعه، روایات ابومخنف را قبول دارد و اهل سنت هم این کتاب را نقد کرده اند. برای نمونه در تاریخ طبری روایت ابومخنف نقد شده اما آن چه از قول ابومخنف در این کتاب تحریف شده چاپ شده است خیلی تفاوت دارد با آنچه از آثار مستند و معتبر تاریخی به دست می آید. «روضه الشهداء» هم مهم‌ترین تحریف آن است که می گوید امام برای شفاعت شیعیانش این کار را انجام داد یا این کار را انجام داد تا ما گریه کنیم و در اثر گریه به پیشت برویم. متأسفانه مداحان هم امروزه همین روش را در پیش گرفته اند و دیگر آن پیام عاشورا و قیام امام حسین زیر این تحریفات پنهان شده است و در نتیجه آن، جهان معاصر از درک آن پیام محروم مانده است.

«**آن پیام به‌طور ویژه چیست؟ همان ظلم‌ستیزی است؟**
بله. دقیقاً همین است. شما اگر در نهج البلاغه هم تأمل کنید و آن را کتاب راهنمای عمل قرار دهید، می بینید که این کتاب هم کتاب ظلم‌ستیزی و دفاع از حقوق مردم است. همین روش امیرالمومنین را امام حسن و امام حسین نیز دارند. به امام حسن بسیار ظلم شده است و حق خواهی و ظلم‌ستیزی او زیر همین روضه خوانی ها پنهان مانده است. امام حسین دریافت که ادامه همان صلح‌نامه یا آتش بس میان امام حسن و معاویه، در زمان یزید امکان پذیر نیست. قیام امام هم برای آن بود که می گفت، اینها ظلمه هستند و هدفش را احیای دین جدش و اصلاح اسلام می دانست.

«**گاهی تصویری از امام حسن بازمیانی می شود مبتنی بر نرمش در برابر قدرت.**

امام حسن بعد از امیرالمومنین با سه گروه روبه‌رو بود. خورجی که امام علی را به شهادت رساندند، بعدتر با امام حسن بیعت کردند به شرطی که به جنگ با معاویه بازگردد. امام حسن اینها را می شناخت. گفت به جنگ معاویه می روم اما اگر بیعت شما مشروط به این امر است بیعت را پس بگیرید. گفتند، نه. ما در بیعت شما می مانیم. گروه دیگر سران قبایل بودند که همچنان دنبال افتخارات جاهلیت بودند؛ همین که امتیازی بدان‌ها داده می شد، رضایت داشتند. معاویه هم این را خوب می دانست. گروه سوم مردم خسته از جنگ و بی تفاوت کوفه بودند. این سه گروه در لشکر امام حسن جمع شدند و به جنگ معاویه رفتند. امام

یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۵۵۳
www.hamhianonline.ir

حسن بسیار شجاع بود. در جنگ صفین امام علی می گوید، حسن و حسین را بگیرید که این طور بی محابا به جنگ نروند. می ترسم نسل رسول الله قطع شود. این در نهج البلاغه هست. معاویه در مقابل اول سران قبایل را به خود جلب کرد و بعد شایعه سازی های فراوان کرد درباره صلح امام حسن با خودش. خورج هم دنبال پنهان بودند و لذا شروع به حمله کردن به امام حسن کردند. لذا امام حسن چاره ای از صلح نداشت زیرا اگر می جنگید همین خورج در همان میدان جنگ او را می کشند یا تحویل معاویه می دادند. سران قبایل هم که نیمه شب رها کردند و رفتند. عبدالله ابن عباس، برادر ابن عباس در زمان امیرالمومنین، والی یمن بود. وقتی بسر بر اطراه از طرف معاویه به آنجارتفت، فرار کرد، اما دو پسر کوچکش را به کسی سپرد. بسر هم این دو فرزند را جلوی مادرشان سر برید. این عبدالله ابن عباس حالا شده است سردار لشکر امام حسن در برابر معاویه. معاویه شبانه پیغام داد که اگر به سمت من بیایی، یک میلیون درهم به تو خواهیم داد. ۵۰ هزار نقد و ۵۰۰ هزار بعنتر. او هم رها کرد و رفت. این بود که امام حسن چاره ای جز قبول صلح نداشت و شرایطی هم که او مطرح کرد با آنچه در برخی کتاب های تاریخی نوشته شده، بسیار تفاوت دارد. معاویه وعده داده بود خراج دارا بگرد را به تو می دهم و حکومت بعد از من برای تو. امام حسن هم از زیات معاویه آگاه بود. پاسخ داد، اگر خراج می خواستم که به جنگ تو نمی آمدم. حکومت را هم اینگونه نمی خواهم. خواسته من حفظ حقوق شیعیان پدرم و اداره شهیدان جنگ صفین است. معاویه البته اینها را پذیرفت، ولی بعدتر وقتی به کوفه آمد تمام آنها را زیر پا گذاشت و خود نیز به این امر اذعان کرد. بنابراین امام حسن چاره ای جز صلح نداشت، وگرنه اهل جنگ هم بود.

«**برخی تمرکز بر مناسک عاشورا را عامل مهجور ماندن پیام اصلی عاشورا می دانند و برخی نیز می گویند، مداحان جای محققان را گرفته اند. مرتضی مطهری از سه مرحله شهادت امام حسین نام می برد. شهادت تن به دست یزیدیان، شهادت شهرت و نام به دست متوکل عباسی و شهادت هدف به دست اهل منبر. با چنین تصریحی چرا امروزه اصلی ترین دریچه آشنایی مردم با امام حسین مداحان شده اند. دکتر مدیه ایم که در این سال کتابی از اهل تحقیق نوشته شده و به‌طور گسترده مورد توجه مردم قرار گیرد.**

متأسفانه اینجای بحث، بحث قدرت است. صاحبان قدرت برای کسب و حفظ قدرت از هیچ وسیله ای خودداری نمی ورزند. مداحان به وسیله صاحبان قدرت دارای نفوذ شدند و جای همه را گرفتند تا پیام عاشورا زیر سایه مداحی های مبتذل و عذار ای های بی معنا گم شود و صاحبان قدرت بتوانند همچنان به حکومت خود ادامه بدهند. روضه خوانان و مداحان، اهداف امام حسین و عاشورا را درست برعکس بیان کردند. آنها مردم را به لختی، بی تفاوتی، گریه کردن و شفاعت جویی دعوت کردند و بزرگترین آفات قیام عاشورا، اسلام و تشیع همین مداحانی شده اند که چنین می گویند.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت دوم

شرکت آب و فاضلاب استان زنجان در نظر دارد انجام پروژه‌ها برابر اطلاعات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به شرکت‌های تشخیص صلاحیت شده با شرایط ذیل واگذار نماید.
نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت آب و فاضلاب استان زنجان به آدرس: اتوبان ۲۲ بهمن، بلوار شهید آوینی، جنب پل زبرگذر قائم، کدپستی ۳۵۱۴۸۶۸۹۰۶
عنوان و مشخصات کلی مناقصه:

شماره مناقصه	موضوع	برآورد اولیه (ریال)	مبلغ پیش پرداخت	مدت پیمان	محل تامین اعتبار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار(ریال)
۱۴۰۳-۱۹۹ نوبت اول	نگهداری، تعمیرات و رفع حوادث کلیه تاسیسات آبرسانی کلیه روستاهای تحت پوشش شهرستان طارم شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۵۱۳۳۰۰۰۵۰۵۶	۵۸'۶۹۴'۴۴۵'۶۸	پیش پرداخت تعلق نمیگیرد	۱۲ ماه	منابع عمرانی به صورت نقد طبق شرح در اسناد مناقصه	۲'۹۳۵'۰۰۰'۰۰۰
رشته و پایه مورد نیاز	حداقل رتبه ۶ بهره برداری از تاسیسات آب شرب در رسته تامین، انتقال و توزیع آب از شرکت مهندسی آبفای کشور و همچنین شرکت‌هایی که کلیه مراحل تشخیص صلاحیت فوق را طی نموده و نام آنها در سایت www.nww.ir درج شده است مجاز به شرکت در مناقصه می‌باشند					

۳- تاریخ و آدرس دریافت اسناد مناقصه: اسناد مناقصه از ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ لغایت تا ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir جهت دریافت موجود است و معامله از ثبت و کل فرآیند دریافت اسناد تا ارسال پاکات توسط مناقصه‌گران، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی انجام خواهد شد.

«**نکته مهم:** مناقصه‌گران جهت شرکت در مناقصه حتماً می‌بایست در بازه زمانی فوق نسبت به دریافت اسناد فقط از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند، در غیر این صورت امکان شرکت در مناقصه فوق برای ایشان وجود نخواهد داشت.

۴- نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌بایست به یکی از صور درج شده در آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی ارائه گردد که جزئیات به صورت مشروح در اسناد مناقصه توضیح داده شده است.

۵- مدت اعتبار پیشنهادها: مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها بوده و قابل تمدید تا ۳ ماه دیگر می‌باشد.

۶- سایت‌های ثبت آگهی: <http://tender.nww.ir> , <http://iets.mporg.ir>

۷- مهلت تحویل پاکات مناقصه: پاکات مناقصه باید حداکثر تا ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ارائه گردد و به پاکاتی که خارج از سامانه تدارکات الکترونیکی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر: مناقصه‌گران می‌بایست اصل تضمین شرکت در مناقصه را علاوه بر ثبت در سامانه ستاد، در یک پاکت دربسته تا یک ساعت قبل از بازگشایی پاکات به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان تحویل نمایند.

۸- مکان تحویل اسناد: از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی به آدرس www.setadiran.ir

۹- زمان گشایش پاکات: پاکات مناقصه مذکور در ساعت ۹ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ در دفتر حقوقی و قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان زنجان بازگشایی خواهد شد.

۱۰- شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مناقصه‌گزار موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات دولتی می‌باشد. شرکت آبفا در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

۱۱- علاوه بر صلاحیت پیمانکاری، داشتن صلاحیت ایمنی برای شرکت در مناقصه الزامی می‌باشد.

۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۱۳- به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و همچنین پیشنهاداتی که پس از مهلت مقرر در فراخوان واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۴- هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

روی صحنه

آخر بازی آخر الزمانی

نقد نمایش «تایتان»



آریو راقب‌کیانی

منتقد تئاتر

از قدیم‌الایام، اسطوره‌های یونان باستان نقش انکارناپذیری در شکل‌دهی ادبیات داستانی و دنیای دراماتیک داشته‌اند و خواهند داشت. سیر تحول شخصیتی و نقش آفرینی خدایان، ایزدان و الهه‌های گوناگون باتوجه‌به شجره‌نامه‌های مزوج آن‌ها و مناسبات و تعاملات‌شان با یکدیگر، حتی در دنیای معاصر و مدرن نیز قابلیت بسط و تعمیم‌یافتن را دارند. مسلماً شکل خدایان حال حاضر و امروزی با الهام گرفتن از این اساطیر، با ورود تکنولوژی به زندگی، قالبی زمینی و انسانی به خود گرفته است و می‌توان برای آن‌ها کابلدی جسمانی قائل شد که دیگر به شکل انتزاعی و دور از ذهن نیستند. نمایش «تایتان»، به نویسندگی رضا بهکام و کارگردانی بابک محمودزاده، نمایشی است که وحدت زمان را با چیدمانی از اساطیر یونان در عصر جدید پدید آورده است؛ اساطیری که با در نظر گرفتن تخصص‌هایی که دارند، باید گره کور زندگی بشریت به‌ظاهر تمدن‌یافته را باز کنند و به رستگاری برسانند. اما فضای اکسپرسیونیسم‌شده نمایش، گذر زمان و ایستایی زمان را به‌چرخش چرخ‌وخه‌ها سپرده است؛ گاه به‌صورت طی مسیر اساطیر یا دوچرخه‌های کودکانه و گاه به‌صورت رکاب‌زدن نافر جادوچرخه ثابت و در هر دو صورت عنصر زمان الکن شده است. در بطن نمایش، عصبان و طغیانی نمود می‌یابد به مانند آنچه در کوه المپ مابین زئوس و کرونوس رخ داده است و در نهایت منجر به سرنگونی پدر توسط پسر می‌گردد. اما معاصرسازی ادبیات کهن و سوییچ آن به داستان‌سرایی نوین، در میعادگاهی با بافت اسطوره‌ای تلافی می‌کند که الهام‌گیری نویسنده نمایش از نمایشنامه «آخر بازی» ساموئل بکت حادث می‌شود. به‌طورکل چگونگی رابطه پدر و پسر و در برهه‌های زمانی مختلف، به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در درام نقش بازی می‌کند. بتعیین نمایش «تایتان» روی به پرسشگری سوالات تا حدودی تابوگونه می‌آورد؛ هرکه قدرت زایش و آفریندگی دارد، جزء خدایان است و دیگر نمی‌توان او را از هستی ساقط کرد یا به‌بردگی آورد؟ جدال پدر و پسر برای تصاحب تاج و تخت، تا چه زمان از حیات بشریت ادامه خواهد یافت؟ نقش الهه‌های شهوت و باروری در پدیدار شدن انسانگاره «خیانت» چه است؟ آیا کاراکتر زئوس در یک دگردیسی پسمانعی تبدیل به ایلان ماسک جوکر‌نما شده است؟

نمایش «تایتان» را می‌توان با جهان سینمایی شده فیلم‌هایی چون «مکس دیوانه» (Mad Max) به‌لحاظ شورش و ضدعاطفی شدن و شورش طبقات مختلف در آخرالزمان که در این نمایش جلوه‌گاهی از گردهمایی‌های باغی‌گریانه خدایان است، «هانیبال» از منظر خورشن مغز انسان مومیایی شده و «جوکر» را رویکردی جنون‌زدگی در پس انزوا در میان جماعات انسانی، تطبیق دارد. البته لحن نمایش با اینکه به‌شدت متأثر از فرمیک شدن و شی‌وآرگی کاراکترها شده است، ولیکن نمی‌توان اتمسفر القاشده داستان «سیزیف»، نوشته آلبرکامو، همچنین کاراکترهای زاده شده از نمایشنامه «آخربازی» و «در انتظار گودو»، ساموئل بکت را نادیده گرفت که تلاش بر نمایاندن پوچ بودن و عبث شدن زندگی انسان تهی‌شده معاصر را دارد و فرمی کند که منز‌لگه‌ا‌و زمین باشد یا سیاره تایتان و آن جهانی شدن، هر کجا که مکانمندی نوع بشر باشد، جوادانگی او، سرچشمه‌اش را از خلقت پوچ و انتظار بطالت بار زیر سایه درخت مزین شده «در انتظار گودو» به‌ردیابها و دست‌های بی‌نام‌نشان گرفته است؛ چه می‌خواهد این آفرینش به‌واسطه حضور خدایان صورت گرفته باشد، چه می‌خواهد نقش پدر و مسادر در میان باشد. آخر بازی آخرالزمانی نمایش، به‌صورت رجعت به مقفه نمایش و ادای مجدد مونولوگ راوی نمایش متبادر می‌گردد؛ دوام نداشتن حقیقت! نمایش چاره کار این زمستن ابزوردور را نه در کوچ اجباری از سیاره غیرقابل تنفس، که در عدمیت می‌ننارد و جدال راز بقاء را نه در تقابل بین خیر و شر پدر و پسر، که در بین میزان شرارت اشرار می‌بیند که نتیجه آن، هیچ‌انگاری فعل زنده بودن و چشم‌بستن بر تاریکیخانه این جهانی است.



تایتان

نویسنده: رضا بهکام
کارگردان: بابک محمودزاده

